



قدر شناسی

قدر دانی!

- ❶ چرا بغذای روحی نیاز مندیم ؟
- ❷ فضیلت و دانش چگونہ محکوم میگردند ؟
- ❸ شخصیت هائی کہ بس از مرکب وجود میآیند



چرا بغذای روحی نیاز مندیم ؟

انسان بغذا خوردن نیاز مند است ، باید غذا بخورد تا زنده و سالم ماند ، پزشکان می گویند : انسان علاوه بر مقدار چیرمغذای نیازمند انواع مختلف و پنهان ها است ، واگر ویتامین های ضروری بدن یا اندازه کافی قندارگه نگردد ، واکنش های خاصی از قبیل بیماری های تنوت دهان ، خون ریزی لثه ها ، نرمی استخوان ها و ضعف اعصاب و . . در انسان بوجود میآید .

بدون خوردن روح هم به اوزات تلاش ها و فعالیت ها احتیاج بنفاذ دارد ، دانشمندان غذا های مورد احتیاج انسان را بدون نوع تقسیم نموده اند ، میگویند : علاوه بر غذاهای جسمانی انسان بیک نوع غذاهای روحی نیاز مند است ، وبدون تردید انسان عقلانی بنوع دوم ، بیشتر نیاز دارد .

یکی از غذاهای روحی ، که همه افراد اجتماع احتیاج میرسی بآن دارند ، عبارت از تعفظ شخصیت است ، کوچک و بزرگ همه میخواهند کار و رفتارشان ؛ مورد پسند و رضایت دیگران قرار گیرد ، تا از نظر روحی بامنیارائی نائل شوند ، همانطوری که بچه میخواهد روز بروز

قد و بلندتر میشود ، مشابه این احتیاج در جنبه های روحی کودک قطعی تر بنظر میرسد .

بنابر این بزرگداشت و تثبیت شخصیت افراد ، یکی از ضروری ترین مسائل زندگی اجتماع است ، در جوامع پیشرفته شخصیت های افراد شناخته میشود ، همه طبقات اجتماع از موفقیت های افراد ممتاز تقدیر و تشکر می کنند . این واقعیت گاه بصورت جوایز گوناگون و گاه بصورت های دیگری انجام میگردد ، حتی امضاء گرفتن از يك فرد ممتاز ، بدون تردید از نظر روحی اثرات بارزی در روان آن فرد بجای می گذارد .

در چنین محیط هایی کار و هنر ارزش خود را بدست می آورد ، افراد اجتماع با نشاط و لذت وافر ی کارهای شخصی خود می پردازند ، بجای دلسردی و ناامیدی حس اعتماد و امید بآینده ، در روایای قله بان وجود دارد ، خود خود چنین جامعه ای روی بتکامل نهاده ، جلو خواهد رفت .

در کشورهای شرقی ، علاوه بر تثبیت شخصیت های فکری و هنری افراد ، سعی میشود با برخورداری کامل از تجهیزات عصر موشک ، نیروهای انسانی را بهتر و کاملتر ظهور برسانند ، و بطور کلی بجای اینکه اعتماددانی ، حیثیت میل کرده ، مراقبت کامل میشود تا اعتمادها بشمار برسد .

یکی از علل عقب ماندن برخی از جوامع تحقیر شخصیت افراد است ، و این عمل خود بزرگترین ضربه ای است که به ارزش های اجتماعی (نیروهای اخلاقه انسانی) وارد میگردد در این نوع متعلقها ، بجای دلگرمی و اشتیاقی همیشه سردی و ناامیدی که در اثر بحساب نیاوردن شخصیت های افراد بوجود می آید ، مانع بزرگی از پیشرفت و تکامل محسوب میگردد در نتیجه ابتکار و فعالیت ، جای خود را به تنهایی و گوشه گیری میدهد .

از این گذشته اصولاً این نوع رفتارهای غیرعادلانه عامل پیدایش عقده ها می شود که بتدریج بصورت بدبینی ، ازجبار و کینه توزی ، در می آید .

انسان همانطور که خودخواه است ، با ثواب و پیکارات خود نیز علاقه مند است و وقتی مشاهده کند که زحمات تکی او در اثر حسادت ها و دشمنی ها فایده ارزشی بوده بحساب نرسد ، آید ، ناچار است در نیروهای او دچار بکنوع رکود و توقف میگردد ، و حال آنکه يك تشویق جزئی و يك تبسم رضایت بخش کافی است که او را دلگرم کرده ، بر میزان فعالیت های او بیفزاید .

فضیلت و دانش چگونه محکوم می گردند ؟

یکی از آفت های زندگی اجتماعی مانع شخصیت ها است ، در زندگی ما گذشته از

اینکه تشویق و تخریبی از علم و هنر بعمل نمی آید ، منفی بافی و ابراد گیری بحد کامل رواج دارد ، در هر کجا و از هر کسی کار تازه انجام گیرد ، پیش از آنکه آن کار مورد مطالعه و تأمل قرار گیرد ، بلافاصله سبیل انتقادها و اعتراضات بسوی آن شخص روان میگردد اینکاش انتقادها صحیح و اصولی بود ، بدون مطالعه و بررسی ، مورد قضاوت کوچک و بزرگ قرار می گیرد ، و اگر از همه زبان های فردی و اخلاقی این نوع حقیقت ها قلع نظر شود ، باید باکامل مراحمات اعتراف کرد که بزرگترین خطری که از این راه عاید جامعه میگردد ، اینست که راه ابتکار و تحول بسته می شود ، و علم و دانش محکوم می گردد ، کم کم همه در می یابند ، که با تجهیزات فکری و علمی نمی توانند ، در اجتماع وزن و موقعیتی برای خود کسب کنند ، در نتیجه دانش و فضیلت دچار رکود شده ، چاپلوسی و تملق سوئی و حقه بازی رواج کامل خواهد یافت .

شخصیت هائی که پس از مرگ بوجود می آیند

در این نوع کشورهای ارزشهای افراد وقتی شناخته می گردد که با محرومیت های جانگدازی در گوشه و کنار با کفنامی جان بسپارند ، پیش از آنکه آب کفن این گونه مردان خشک شود ، مغز و دماغه گویان دیروز ، با وقاحت و بیشرمی خاصی ، بمدیحه سر این آنان شروع می کنند ، کسانی که دیروز حاضر نبودند کمترین فضیلتی را برای آنها اثبات کنند . پس از مرگ او را ناپه نصر و یگانه دهر معرفی می کنند ، و حال اینکه همین مردم اگر حسادت ها را کنار گذاشته بر اساس سنجی در کارش قضاوت میکردند ، و با لاف زدن خود دراز اعتراض های بیجا فرو می بستند ، چنین وضع دلخراشی برای افراد باشخصیت اجتماعی بوجود نمی آمد .

بدون تردید یکی از عوامل پیدایش اختراعات ، موضوع تشویق و تقدیر است بسیاری از افراد فناکار دیده میشوند که سالیان درازی برای بدست آوردن موفقیت های علمی و هنری بکارهای خطرناکی دست می زنند ، بطوری که هر لحظه احتمال آن میرود که جان خود را در این راه از دست بدهند ، تا گنگنه پیداست که در تثبیت شخصیت و تشویق آن چنان نیروهای انسانی این افراد را تحریک کرده که از هر نوع جانبازی منافی نمی کنند ، علاوه باید توجه داشت که رابطه مستقیم میان قدر شناسی و تکامل وجود دارد هر جامعه که خواهان ترقی و معالی است ، باید سعی کند از اصل تشویق و ارزیابی شخصیت ها ، بوی بر خوردار باشد .